خارج فقه جلسه 21 - قید مندوحه در تقیه – 09/08/1401

موضوع: (مسح پا - قید مندوحه در تقیه در وضو - اختصاص تقیه به حال اضطرار - روایات - اشکال شیخ انصاری ره)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

آیا در مشروعیت وضو از باب تقیه، عدم وجود مندوحه معتبر است یا نه؟ در جایی که سلطان ظالم است که ظلم به مردم می‌کند در آنجا همه فقها فرمودند که عدم مندوحه معتبر است یعنی اگر می‌تواند صبر کند و از زیر ظلم آن نجات پیدا کند و نماز را بعد آن بخواند باید صبر کند چون اضطرار صدق نمی‌کند و قاعده تقیه هم اختصاص به حالت ضرورت و اضطرار دارد وگرنه تقیه معنا ندارد.

سؤال: به چه دلیل تقیه مربوط به حال اضطرار است؟ به خاطر صحیحه محمد بن مسلم و زراره و صحیحه معمر بن یحیی.

متن روایت:عنه، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن ابن أذينة، عن إسماعيل الجعفي ومعمر بن يحيى بن سالم ومحمد بن مسلم وزرارة قالوا: سمعنا أبا جعفر عليه السلام يقول: التقية في كل شئ يضطر إليه ابن آدم فقد أحله الله له.[[1]](#footnote-1) که هر چه فرزند آدم مضطر شد تقیه برای آن گذاشته شده است.

اختلاف فقها درباره تقیه در میان عامه است که بر دو قسم است یکی اینکه تقیه برای ترک واجبات شرعیه است یا إتیان مانع یا فعل حرام و دوم: تقیه در غیر عبادات که به ترک واجب یا فعل حرام است.

اما حکم قسم اول: عدم مندوحه در اینجا معتبر نیست و بین امامیه اتفاق نظر است مثلاً در میان عامه قرار گرفته که آن‌ها نمازشان را بدون سوره می‌خوانند برعکس ما که واجب می‌دانیم. آیا به این‌ها اقتدا بشود که می‌شود ترک جزء یا صبر کنیم و در منزل مثلاً نماز بخوانیم؟ فقها می‌فرمایند مندوحه نمی‌خواهد و اقتدا شود و تقیه شود و روایات در اینجا زیاد است.

روایات در این زمینه دو دسته‌اند:

دسته اول: روایاتی که شیعیان را ترغیب می‌کنند که در مساجد عامه حاضر شوید و با آن‌ها نماز بخوانید، یا در تشییع جنازه آن‌ها بروید.

متن روایت: أحمد بن أبي عبد الله البرقي في (المحاسن) عن ابن محبوب، عن عبد الله ابن سنان قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: أوصيكم بتقوى الله عز وجل، ولا تحملوا الناس على أكتافكم فتذلوا، إن الله تبارك وتعالى يقول في كتابه: " وقولوا للناس حسنا " ثم قال: عودوا مرضاهم، واشهدوا جنائزهم، واشهدوا لهم وعليهم، وصلوا معهم في مساجدهم الحديث.[[2]](#footnote-2)

دسته دوم: روایاتی که مشتمل بر شرکت در صف اول نماز جمعه عامه است از باب وحدت که به آن تقیه مداراتی می‌گویند که ثواب آن مثل این است که پشت سر پیامبر نماز خوانده و در میدان جنگ جهاد می‌کند.

متن روایت:محمد بن علي بن الحسين باسناده عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: من صلى معهم في الصف الأول كان كمن صلى خلف رسول الله صلى الله عليه وآله في الصف الأول.[[3]](#footnote-3)

مرحوم شیخ انصاری[[4]](#footnote-4) و حاج آقا رضا همدانی[[5]](#footnote-5) فتوا دادند که باید تقیه زمانی باشد که مندوحه نباشد و لذا عدم مندوحه معتبر است و دو دلیل آورده‌اند:

اول: مشروعیت تقیه برای تحفظ ضرر جانی و مالی است و وقتی مکلف قدرت دارد عبادت را کامل انجام دهد و هیچ ضرری او را تهدید نمی‌کند آن نماز با تقیه مجزی نیست چون فاقد شرط و جزء است.

دوم: روایات در مورد وجوب تقیه مربوط به اضطرار و ضرورت است که در غیر این دو مورد تقیه مشروع نیست پس عدم مندوحه در تقیه شرط است چون دلیلی بر عدم اعتبار آن نداریم بلکه دلیل برخلاف ‌آن داریم.

اما توجیه این دو بزرگوار از آن دو دسته روایات: که اگر ما در جماعت آن‌ها حاضر نشویم ممکن است بعداً فرزندان ما را اذیت کند لذا این روایات قطعاً محمول بر صورت خوف در ترک در مساجد آن‌هاست.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. وسائل ج ۱۱ ص ۴۶۸ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل ج ۵ ص ۳۸۲ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل ج ۵ ص ۳۸۱ [↑](#footnote-ref-3)
4. کتاب الطهاره ج ۲ ص ۲۸۴ [↑](#footnote-ref-4)
5. مصباح الفقیه کتاب الطهاره ص ۱۶۵ [↑](#footnote-ref-5)